

## پیش‌خوان

نظری بر «رابطه ایران و امریکا از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی»

### تصورات واهی عموسام درباره انقلاب ایران

■ **شاهد توحیدی**



انری که هم‌پنک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از نام آن پیداست «رابطه ایران و امریکا، از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی» را مورد بازخوانی قرار داده است. این

پژوهش از سوی حسن خدآوردی انجام شده و مرکز استاد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. نمایان‌ناشر در معرفی این کتاب به نکات پی‌آمده اشارت برده است:

«اگر بخواهیم به پیشینه روابط ایران و امریکا نظری اجمالی بیفکنیم، به‌طور کلی آغاز روابط این دو کشور به اوایل قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد. در این برهه زمانی، نوع روابط عمدتاً روابط مذهبی، فرهنگی و بعدها تا حدودی اقتصادی است. اساساً تا سال ۱۹۴۱ م/۱۳۲۰ ش، مقامات امریکایی به علل مختلف از جمله تأثیر دکترین مونروئه، تعایل چندان‌به حضور کشورشان در ایران نداشتند، اما از اواسط دهه ۱۳۲۰ به دلیل ارزیابی جدید از وضعیت مالی و موقعیت استراتژیک ایران، دولت امریکا نفوذ خود را در ایران بیشتر کرد و برای تقویت موقعیت خود در این کشور روش‌های مختلفی را به‌کار برد که مهم‌ترین آن کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌باشد. از این تاریخ به بعد، نفوذ گسترده امریکا در ایران شروع شد و تا انقلاب اسلامی تداوم یافت. به‌طور خلاصه روابط دو کشور در دهه به صورت روابط دست‌نشانده‌گی و در دهه ۱۳۵۰، به صورت تحکیم و وابستگی است و به‌طور کلی طی این مدت ایران به دست نشانده نظامی و سیاسی امریکا مبدل شد. موضع‌گیری ایالات متحده نسبت به ایران در دوران تحولات انقلابی از جمله مهم‌ترین تحولات روابط



۱۳۵۶. تهران، جیمی کارتر در کنار محمدرضا پهلوی

خارجی دو کشور قبل از پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. به‌طور کلی در دوران تحولات انقلابی ایران، سیاست امریکا حمایت همه‌جانبه از محمدرضا شاه بود، اما زمانی‌که امریکا متوجه شد نمی‌تواند شاه را بر ایکه قدرت نگه دارد، در پی خروج شاه در ۲۶ دی ۱۳۵۷، تمام سعی خود را به کار برد تا به هر نحو ممکن، ایران را در اردوگاه غرب آمدن یک رژیم اسلامی – به زعم خود – جلوگیری کند. تصویرگر برخی از زمامداران امریکایی از حکومت‌بدعی ایران در نظر داشتند، غیر از آن بود که بعدها در ایران استقرار یافت. آنان بر این باور بودند که یک حکومت ملی از عناصر لیبرال و وابسته به جبهه ملی سابق، زمام‌امور را در دست گرفته و منافع غرب و امریکا در شکل محدودتری تأمین خواهد شد، لذا با سقوط رژیم محمدرضا شاه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و روی کار آمدن دولت موقت، ایالات متحده از اولین کشورهایی بود که اقدام به شناسایی رسمی دولت موقت کرد. امریکا در تلاش بود تا روابط خود را با ایران گسترش دهد و متقابلاً حکومت‌بازرگان نیز مایل بود که روابط خویش را با امریکا حفظ کند، اما اتخاذسیاست نه‌شرقی‌نه‌غربی از سوی امام خمینی مانع از آن شد که روابط دولت موقت با امریکا تاحد مطلوب پیشرفت نماید. پس از آنکه محمدرضا شاه برای معالجه وارد نیویورک شد، دانشجویان پیرو خط امام در اعتراض به پذیرش شاه از سوی امریکا، سفارت این کشور را در تهران مورد حمله قرار دادند. البته ملاقات‌بازرگان و یزدی بازرینسکی در الجزایر، مزید بر علت شد و در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ سفارت امریکا تسخیر و کارکنان سفارت به گروگان گرفته شدند که امام خمینی از این واقعه با عنوان انقلاب دوم یاد کرد. بدین ترتیب تاریخ انقلاب اسلامی وارد مرحله جدیدی شد و روابط ایران و امریکا رو به تیرگی و خصومت نهاد، به طوری که این روابط خصمانه تا به امروز تداوم یافته است. …»

## تاریخ

تاریخ ۶۰۰۸۵۲۳



محمدرضا پهلوی در بازدید از سلاح‌های خریداری‌شده از خارج. در تصویر حسن طوفانیان نیز دیده می‌شود

با وجود آنکه دولت ایران

بیشترین خرید سلاح را آن هم به قیمتی بالا انجام می‌داد، اما دولتمردان امریکایی سلاح‌های پیشرفته و کارآمد خود را به ایران نمی‌فروختند! مثلاً با آنکه محمدرضا پهلوی در خواست‌های بسیاری را برای خرید موشک‌های کروز و میان‌برد و حتی کوتاه‌برد به امریکایی‌ها ارائه داده بود، اما این درخواست‌ها هیچ‌گاه مورد پذیرش و موافقت این دولت قرار نگرفتند. چرایی این واقعیت را باید در اظهارات مقامات عالی‌رتبه امریکایی جست‌وجو کرد

اشاره کرد. هوایمای اف-۱۴ تا تمام کت، یکی از پیشرفته‌ترین جنگ‌افزارهای زمان خود و ساخت شرکت گرومن بود که به سفارش نیروی دریایی ایالات متحده ساخته‌شد.این هواپیما انقدر پیشرفته بود که کنگره امریکا فروش آن به کشورهای دیگر را ممنوع اعلام کرد و ایران تنها کشوری بود که توانست همزمان با امریکا صاحب این جنگنده شود.ماجرای تصاحب چنین جنگنده‌ای از این قرار بود که قیمت نهایی ساخت هواپیما خیلی بیشتر از برآورد اولیه شد و شرکت گرومن در آستانه ورشکستی قرار گرفت. در این مقطع دولت ایران با پرداخت وامی به شرکت گرومن و حمایت از پروژه هم می‌توانست شرکت گرومن را از ورشکستگی نجات دهد و هم مالک این هواپیما شود، اما این خرید چندان به‌نفع ایران نبود، آذربزین (معاون عملیاتی و جانشین فرماندهی نیروی هوایی ارتش دوران پهلوسی) در مورد خرید اف-۱۴ می‌گوید: «همراه خاتم‌برای بازید و خرید هواپیما اف-۱۵ به امریکاسفر کردیم-انجام‌موجه شد.اف-۱۴، به درد نیروی نظامی ایران نمی‌خورد

و موضوع را باخاتم در میان گذاشتم…»و معتقد بود اف-۱۴ مختص نیروی دریایی امریکا ساخته شده و رادار و سیستم راداری متفاوتی نسبت به آنچه در ایران لازم است، دارد. همچنین این هواپیما فقط شکاری بوده و امکان استفاده به عنوان بمب‌افکن ندارد.اف-۱۴ برای پرواز، نیازمند حضور ۳۰۰ نفر مستشار امریکایی بود. این نیروها تنها هواپیما و رابرای مقاصد آموزشی پرواز می‌دادند و برای مقاصد عملیاتی با ایران قراردادی نمی‌بستند، یعنی اگر جنگی پیش می‌آمد عملاً این نوع جنگنده قابل استفاده نبود. هوایمای اف-۱۵ نیز ما مثل اف-۱۴ ساخت شرکت مک‌دائل داگلاس بود و سیستم‌های مشابه داشت. این مدل هواپیما هم شکاری و هم بمب‌افکن بود و اگر به گردان‌های شکاری ایران اضافه می‌شد، توان رزمی کشورمان افزایش پیدا می‌کرد. چون خزان‌های اف-۱۴ می‌توانستند به راحتی با هر دو هواپیما پرواز کنند. لذا نیازی به حضور مستشار خارجی و پرداخت حقوق به آنها وجود نداشت. علاوه بر این همه، قیمت ۸۰ فروند اف-۱۴ ۱۴ برابر ۲۸۰ فروند اف-۱۵ بود!مورد دیگر خرید سامانه ضدموشکی از سوی ایران بود. نیروی هوایی ایران به محض اطلاع از حضور موشک سام در منطقه، به دلیل نداشتن سامانه ضدموشکی مناسب، تقاضای خرید این سامانه را می‌کند. تقاضا نامه به طوفانیان می‌رسد و او به جای صحبت با نیروی هوایی به عنوان مقامی خرید با رئیس مستشاری نیروی هوایی یعنی سیکورد به گفت‌وگو می‌پردازد، اما او

آنجا که مستشاران امریکایی پس از سال‌ها حضور در ایران به بازاربایان شرکت‌های امریکایی تبدیل شده بودند، سیکورد هم کمپانی هیلتون را برای عقد قرارداد به طوفانیان معرفی می‌کند. آذربزین در مورد این خرید می‌گوید: «هیلتون کمپانی‌ای بود که در مناقصه ساخت سامانه ضدموشکی برای ارتش امریکا، برنده نشده و اصلاً شرکت مطرحی در این زمینه نبود. نیروی هوایی ایران هم ساسانه ضدموشکی شرکت اسکن کانورتر را می‌خواست، چون تنها شرکتی بود که منافعه ارتش امریکا را برده بود…» طوفانیان برای این قرارداد ۴۵۰هزار دلار بیش پرداخت به شرکت هیلتون می‌پردازد. نکته جالب این است که وقتی نیروی هوایی به این موضوع اعتراض و قرارداد کنسل می‌شود و قرار دای شد با شرکت اسکن کانورتر امضا می‌شود، پولی که قبلاً بابت پیش پرداخت داده‌شده بود، عملاً از بین می‌رود! البته حامی طوفانیان در عقد چنین قراردادهایی محمدرضا پهلوی بود، چراکه از این معاملات سود می‌برد. آذربزین در خاطراتش می‌گوید: «هر بار در مورد این قراردادها به شاه گزارش می‌دادم، شاه در جواب می‌گفت: برو به سالیوان (سفر امریکا در این زمان بود. یعنی ولش کن…»

■ **عدم فروش سلاح‌های پیشرفته به ایران**
با وجود آنکه دولت ایران بیشترین خرید سلاح را آن هم به قیمتی بالا انجام می‌داد، اما دولتمردان امریکایی سلاح‌های پیشرفته و کارآمد خود را به ایران نمی‌فروختند!مثلاً با آنکه محمدرضا پهلوی در خواست‌های بسیاری را برای خرید موشک‌های کروز و میان‌برد و حتی کوتاه‌برد به امریکایی‌ها ارائه داده بود، اما این درخواست‌ها هیچ‌گاه مورد پذیرش و موافقت دولت امریکا قرار نگرفتند. چرایی این واقعیت را باید در اظهارات مقامات عالی‌رتبه امریکایی جست‌وجو کرد. به عنوان مثال دویات آیزنهاور در نخستین مصاحبه عمومی که پس از انتخاب‌شدن در سمت ریاست جمهوری ایالات متحده در تاریخ

خود سلاح و کشور تهیه‌کننده آن، او اگر بانوع سلاح موافق بود و شرکت و کشور تأمین‌کننده جزو لیست مورد نظرش بود که امریکایی‌ها و انگلیس اداکنته می‌کردند، سفارش را تصویب و تهیه‌کننده طوفانیان بود. در مورد سلاح‌های سنگین یاوسایل جنگی، تلک‌ها و روزه‌پوش‌ها ومانت‌ها هم، در مسافرت‌های محمدرضا به امریکا و اروپای غربی، نمونه‌ها و طرز کار آنها به‌وی‌شان داده می‌شد…»

■ **ایران بزرگ‌ترین خریدار تجهیزات نظامی در دنیا**
میزان خرید تسلیحات نظامی از وی ایران آنچنان بود که روزنامه لوموند چاپ فرانسه در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۷ نوشت: «سطح خرید تسلیحات از سوی ایران خصوصاً از امریکا به سالی ۱۰ میلیارد دلار می‌رسد. ایران بیش از نیمی از سلاح‌های فروخته شده از سوی امریکا را دریافت می‌دارد. ایران بزرگ‌ترین قراردادهای خریدهای نظامی که شامل ۸۰هواپیماشکاری F-۱۴ و Tomcat ۲۰۰ به‌رخوردار می‌آید که به‌رقم‌تجمعی ۱۹ میلیارد دلار، به امریکا منقد ساخته‌است…» خریدهای تسلیحاتی شاه‌از امریکا و انگلیس، جنجال و سرس و صدای زیادی به راه انداخت، به خصوص آنکه این خریدها بالاتر از قیمت متعارف و هزینه‌های تمام‌شده بود. طبق اسناد در شصت سال آخر سلطنت محمدرضا پهلوی، حجم سلاح‌هایی که از سوی طوفانیان از امریکایی‌ها خریداری می‌شود، انقدر سریع افزایش می‌یابد که به‌رقم‌تجمعی ۱۹ میلیارد دلار می‌رسد. افزایش این حجم از خریدها، تقاضای مناسب، تقاضای خرید این سامانه را می‌کند. تقاضا نامه به طوفانیان می‌رسد و او به جای صحبت با نیروی هوایی به عنوان مقامی خرید با رئیس مستشاری نیروی هوایی یعنی سیکورد به گفت‌وگو می‌پردازد، اما او

آنجا که مستشاران امریکایی پس از سال‌ها حضور در ایران به بازاربایان شرکت‌های امریکایی تبدیل شده بودند، سیکورد هم کمپانی هیلتون را برای عقد قرارداد به طوفانیان معرفی می‌کند. آذربزین در مورد این خرید می‌گوید: «هیلتون کمپانی‌ای بود که در مناقصه ساخت سامانه ضدموشکی برای ارتش امریکا، برنده نشده و اصلاً شرکت مطرحی در این زمینه نبود. نیروی هوایی ایران هم ساسانه ضدموشکی شرکت اسکن کانورتر را می‌خواست، چون تنها شرکتی بود که منافعه ارتش امریکا را برده بود…» طوفانیان برای این قرارداد ۴۵۰هزار دلار بیش پرداخت به شرکت هیلتون می‌پردازد. نکته جالب این است که وقتی نیروی هوایی به این موضوع اعتراض و قرارداد کنسل می‌شود و قرار دای شد با شرکت اسکن کانورتر امضا می‌شود، پولی که قبلاً بابت پیش پرداخت داده‌شده بود، عملاً از بین می‌رود! البته حامی طوفانیان در عقد چنین قراردادهایی محمدرضا پهلوی بود، چراکه از این معاملات سود قدرتمندترین توپ را داشت، اما در زمینه موتور و تحرک، چندان مطلوب نبود. علاوه بر آن سیستم هدف‌گیری پیچیده و توانایی پایین برای جنگ شبانه و مشکلات بسیار در سیستم سوخت‌رسانی و قیمت بالای آن نسبت به تانک‌های هم‌دها‌ش از جمله مواردی بودند که ایران پس از تحویل به آن پی‌برد. اسداله علم در خصوص سفارش ساخت این تانک‌ها با وجود نواقصی که داشتند از قول محمدرضا پهلوی می‌نویسد: «به انگلیسی‌ها یگو که تانک‌های چیفتن شما معیوب هستند، این سفارش عهده‌ای که می‌خواهیم بعد از این به شما بدهیم، اگر به همین بدی باشد که اصلاً خطرناک است. توپ‌های این تانک مهمات کم دارد. چر مهمات به مانعی‌دهید؟ ما که پولش را نقد می‌دهیم؟ به علاوه قیمت تمام اسلحه‌ای که به ما پیشنهاد کرده‌اید، از سال گذشته ۲۰۰ درصد اضافه شده‌است…» البته با وجود آنکه ایران ۴هزار تلک چیفتن از انگلیس خریداری کرده بود، اما نهایتاً ۱۸۰ تلک تحویل داده شد!از دیگر خریدهای بحث‌برانگیز تسلیحات نظامی در دوران پهلوی دوم، می‌توان به خرید هواپیما اف ۱۴

برای چنین مقطعی طولانی به حسن طوفانیان سپرده می‌شود؟ گفته که این اعتماد، در پی ارتباط نزدیک او با کمپانی‌های تولید اسلحه، به‌خصوص در کشورهای امریکا و انگلیس به‌وجود آمده بود. حسین فردوست در خاطرات خود در خصوص چگونگی انتخاب طوفانیان به‌عنوان مأمور خرید سلاح می‌گوید: «نمی‌دانم که طوفانیان چگونه از سوی محمدرضا به عنوان مأمور تهیه سلاح انتخاب شد، ولی حدس می‌زنم به علت طسی دوره نظامی در امریکا و آشنایی زیاد با مستشاران نظامی امریکایی در ایران، از طریق آنها به محمدرضا معرفی شد و از آن پس خریدهای گراف اسلحه ایران را ترتیب می‌داد.» البته به فردوست معتقد است، طوفانیان خود نقشی در تعیین معاملات تسلیحاتی نداشتند و این خریدها از سوی محمدرضا پهلوی از بابان امریکایی و انگلیس‌اش مدیریت می‌شده‌است: «چه نوع سلاح، به چه تعداد، از کجا، همه و همه از سوی محمدرضا دیکته می‌شد و طوفانیان تنها مجری خوبی بود. محمدرضا از کجا انواع سلاح‌ها را می‌شناخت؟ رویه این بود که رئیس ستاد ارتش از طریق متخصصین ستاد فرماندهان سه نیرو (زمینی، هوایی، دریایی) و به‌خصوص فرمانده نیروی هوایی در دوران فرماندهی ارتشید معاملات، فرمانده ژاندارمری، رئیس شهربانی از روی کاتالوگ‌ها در مورد سلاح‌های سبک از روی نمونه‌های ارسال‌ی شرکت سازنده و همچنین شخص طوفانیان تقاضای تهیه می‌کردند و تعداد و همین مقامات به محمدرضا پیشنهاد می‌دادند. در اینجا دو موضوع مورد توجه محمدرضا بود



## مهم‌ترین سمت حسن طوفانیان

مسئولیت خرید اقلام نظامی بود که از سال ۱۳۴۲ آغاز و تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. نامبرده فرد مورد اعتماد محمدرضا پهلوی در زمینه خرید تسلیحات نظامی بود. اما چرا! این سمت برای چنین مقطعی طولانی به وی سپرده شده بود؟ گفته می‌شود که این اعتماد در پی ارتباط نزدیک او با کمپانی‌های تولید سلاح، به‌خصوص در کشورهای امریکا و انگلیس به وجود آمده بود. در زمینه خرید تسلیحات نظامی بود، اما چرا! این سمت برای چنین مقطعی طولانی به وی سپرده شده بود؟ گفته می‌شود که این اعتماد در پی ارتباط نزدیک او با کمپانی‌های تولید سلاح، به‌خصوص در کشورهای امریکا و انگلیس به وجود آمده بود. در زمینه خرید تسلیحات نظامی بود، اما چرا! این سمت

حسن طوفانیان

## ۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۱۰۱۴

۲۹ نوامبر ۱۹۵۲/۱۳۳۱ دارد، چنین می‌گوید: «گمان نمی‌کنم منطقه‌ای مهم‌تر از ایران روی نقشه جغرافیایی جهان وجود داشته باشد، ایران دارای نفت است و در چهارراه جهان واقع شده است، اگر روزگاری ایران و شوروی با هم کنار آیند، کره زمین جای امنی برای غرب نخواهد بود. همچنین نباید وضعیتی پیش آید که ایران به گذشته دور خود بازگردد و یک قدرت نظامی شود. وای به وقتی که میلیتاریسم ایرانی زنده شود، بروید تاریخ این کشور را بخوانید تا متوجه حرف من بشوید…» این تفکر به‌عنوان راهبرد درازمدت، در میان دولتمردان امریکایی مینا قرار گرفته و جنبه اجرایی پیدا کرد. حتی وقتی در خرداد ۱۳۵۱، ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور وقت امریکا همراه با هنری کیسینجر مشاور امنیت ملی آن کشور، در تهران با محمدرضا پهلوی ملاقاتی کرده و قول فروش سلاح‌های هسته‌ای را می‌دهند، نیکسون در سخنرانی خود می‌گوید: «شاه هرگونه سلاح غیرهسته‌ای را که خواهد، می‌تواند از امریکا خریداری کند…» این قول مساعد نیکسون، فرصت بسیار خوبی در اختیار محمدرضا پهلوی قرار داد. علاوه بر اینکه وزارت دفاع و وزارت امور خارجه امریکا

به دستور رئیس‌جمهور از روند نظارت بر فروش تسلیحات (به این ا معاف شدند. یا کیسینجر به وزرای دفاع و خارجه امریکا تذکر می‌دهد، که از آن پس طبق معمول و به‌طور کلی، خرید سازوبرگ نظامی در درجه نخست باید به درخواست دولت ایران واگذار شود، اما می‌بینیم که همچنان تفکر آیزنهاور بر سیستم حاکمیتی امریکا سلطه دارد و آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، خلاف این مهم را اثبات می‌کند زیرا دولتمردان و نظامیان امریکا، حتی حاضر نشدند موشک زمین به زمین «لانس» با برد ۱۲۰ کیلومتر و راکت‌هایی با برد ۶۰ کیلومتر را به رژیم پادشاهی ایران بفروشند.

■ **تجهیزات نظامی که به دستور ارباب در اختیار دیگر کشورها قرار می‌گرفت**

با وجود تمام زد و بندهایی که از سوی مستشاران امریکایی برای خرید تجهیزات نظامی انجام می‌گرفت، بخشی از این خریدها به دستور اربابان امریکایی از سوی ایران در اختیار دیگر کشورها قرار می‌گرفت. تاج‌الملوک در خاطرات خود می‌نویسد: «سک‌وز محمدرضا که خیلی ناراحت بود به من گفتم: مادر جان، مرده شور این سلطنت را ببرد که من شاه فر مانده کل قار هستم و بدون اطلاع من هواپیماهای مارا براندند ویتنام آن موقع جنگ ویتنام بود و بخشیدن آن به پاکستان، به‌عنوان یکی از شاهکارهایش یاد می‌کند.» قتیتم و ۹۰ تا طاپیرا هم خریدیم. می‌دادم به پاکستان، پولش را نمی‌گرفتم. پیدا شد. هندی‌ها امند اعتراض کردند که شما حق نداشتید. آن وقت خود این یک قصه است…» اگر من شخصی می‌دادم که آن‌ان در بلوچستان نزاع [است] و پاکستان می‌تواند جنگ بکند، چهار بالهلیکوپتر می‌دادم بهش، چهار تا هواپیما سی ۱۳۰ می‌دادم به پاکستان، خودم خریدم، ولی منتقل می‌کردم، می‌گفتم اعلیحضرت پولش را از آنها بگیر. ۱۰۰ اتوبوس می‌دادم به پاکستان، پولش را نمی‌گرفتم. یا اینکه وزیر دفاع پاکستان می‌آمد پهلوی من شاه ۱۰۰ میلیون دلار بلاعوض به او می‌دادم به عنوان…

این برای چه؟ برای تقویت بنیه دفاعی کشور…»
■ **برای وقتی که عامل مقب‌ماندگی نظامی شد**
اما سؤال این است با وجود بوجه کلانی که برای خرید تجهیزات نظامی اختصاص داده شده بود، چرا دولتمردان پهلوی هیچ‌گاه به فکر تولید تجهیزات نظامی نمی‌داندند؟ محمدرضا پهلوی و مشاورانش بر این باور بودند که نیازی به تأمین تسلیحات و تجهیزات نظامی در داخل کشور نیست. آنها اعتقاد داشتند از آنجا که دولت ایران به واسطه فروش نفت از بنیه مالی خوبی که برخوردار است، می‌تواند بهترین تولیدات نظامی دنیا را خریداری کند، لذا نیازی برای صرف‌وقت و هزینه توسعه و پیشرفت صنایع داخلی و به‌خصوص صنایع نظامی وجود ندارد. چنین تفکری موجب شد ایران از لحاظ تولیدات نظامی سال‌ها عقب بماند. امام خمینی (ره) که اهمیت این موضوع را به‌خوبی درک کرده بودند، در این باره می‌گوید: «این طبیعی است که اگر یک نفر آدم یک جایی نشسته و همه چیز او را می‌آورند تقدیمش می‌تواند این فکرش به کار نمی‌افتد، حتی کاسب هم نمی‌تواند بشود! اگر یک آدمی بود که اول صبح چاییش را نوشن را بیآورند، ظه‌ر هم همین‌طور، شب هم همین‌طور هر احتیاجی هم داشت، هر چیزی بود، برآورده کرد، این نمی‌تواند دیگر هیچ کاری بکند، یک مد فلجی می‌شود. اینها می‌خواستند که از این مملکت، یک موجودات فلجی باقی بیاورند. تبلیغات دهنده‌ها و اعمال بسیار کننده بود که به ما حالی کنند، شاه‌ها نمی‌توانید اسماها نمی‌آید از تان هیچ کاری. از آن طرف هم از آنجا هر چیزی بیآورند و متخصصین از خارج وارد کنند و هر چیزی که احتیاج دارند ارجع به هر امری از خارج بیآورند، وقتی یک مدتی دید که خارج هم چیزش را دارد اداره می‌کند و دیگر احتیاجی ندارد، این به فکر نمی‌افتد که خودش احتیاجش را رفع کند…» این همان تفکری است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در پیش گرفته شد و به واسطه آن توانستیم امروزه شاهد آن باشیم که موشک‌های ایرانی در حوادث اخیر منطقه، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.